

عقیله بنی هاشم

بررسی ویژگی های شخصیتی حضرت زینب (سلام الله علیها)

تهیه کننده: زینب سیدمیرزایی

خواب طولانی بیدار شدند. وقتی ندای حضرت بلند شد، از اسکتوی (ساکت باشید!) حضرت آن چنان نفس ها در سینه ها حبس شد که فقط صدای زنگوله شتران به گوش می رسید. مردم با شنیدن صدای حضرت زینب علیها السلام گفتند: گویا علی بار دیگر بر فراز منبر رفته و سخن می راند.

از القاب دیگر ایشان عقیله است. خود ایشان می فرمایند: «افضل العبادۃ العفاف» با توجه به این که کوفیان می خواستند در جمع اسیران نان و خرما پخش کنند، اینها هیچ کدام به دستور حضرت زینب نپذیرفتند، اما زنی از میان کوفیان، تا فهمید اینان دختران پیغمبرند که دشمن حجاب و مقنعه را از آنان ربوده اند، برای آنها معجز و مقنعه آورد. حضرت زینب پذیرفتند این جای تأمل بسیار و عبرت آموزی برای دختران و زنان جامعه ماست. دختران پیامبر با وجود گرسنگی نان و خرما را نپذیرفتند اما معجز و روسری را قبول کردند.

در این جا بیان نکته ای خالی از لطف نیست. هم اکنون هر جای دنیا، اسمی از خرافات به میان می آید، انگشت ها را به طرف مسلمان ها نشانه می رود. وقتی به ارزش های مورد توجه در اسلام می نگریم، خلاف این مسأله را می بینیم. می بینیم که اسلام شدیداً با موهومات مبارزه می کند. خداوند نام زینب را برمی گزیند. به جای این که بنابر اعتقاد بت پرست ها، دختر ننگ پدر باشد، خداوند متعال می فرماید: دختر زینت پدر است.

متأسفانه برخی از مردم، نسبت به اسامی و القابی که ائمه اطهار علیهم السلام، با اهداف والایی بر فرزندان خود، می نهادند بی توجه هستند. این مشکل بزرگی است که برخی از افراد در ارتباط با نامگذاری، اشتیاق فراوانی به اسم های آن چنانی که حتی معنی آن

دیدار: ضمن تبریک میلاد با سعادت عقیله بنی هاشم؛ حضرت زینب علیها السلام به همه آنهایی که اهل آسمان آبی حقیقت اند و از تبار پاک دلدادگان صبر و ایثار و بردباریند. به همین مناسبت، خدمت دو تن از اساتید محترم رسیدیم تا با گوشه ای از زندگانی علمی، فرهنگی و معنوی عالمه اهل بیت علیهم السلام آشنا شویم.

ضمن تشکر از خواهران کرانقدر، سرکار خانم عطارزاده و سرکار خانم درویشی. اولین سؤال در خصوص القاب و اسم های حضرت زینب علیها السلام است. در این مورد توضیح دهید.

○ درویشی: قبل از هر چیز بدنیت اشاره کنیم که یکی از رسالت های مهم حضرت رسول صلی الله علیه و آله مبارزه با خرافات بود، به همین جهت بیان نکاتی در زمینه نامگذاری حضرت زینب علیها السلام خالی از لطف نیست.

اولین نکته، رعایت ادب اسلامی بین خاندان وحی و عصمت است؛ یعنی وقتی ایشان به دنیا می آیند و قرار است،

نامی برای حضرت انتخاب شود، مادر بزرگوارشان می فرمایند، من در نامگذاری از علی علیه السلام پیشی نمی گیرم، حضرت علی علیه السلام می فرمایند: من از رسول خدا، در نامگذاری جلو نمی افتم و رسول خدا نیز از خداوند متعال پیشی نمی گیرند تا این که خداوند نام زینب را برای او برمی گزیند.

از دیگر لقب هایی که حضرت زینب علیها السلام دارند؛ خطیبه است. خطبه هایی که در کوفه و شام ایراد کردند کاملاً بیدارکننده بود. آن هنگام که مردم شام با لهله و کف و سوت می خواستند به استقبال اسیران بروند و در واقع می خواستند آنها را تحقیر کنند. با آن خطبه ای که حضرت زینب علیها السلام قرائت کردند گویا کوفیان از



را هم نمی‌دانند از خود نشان می‌دهند. اما اسامی معنادار، پرمحتوا، و زیبای اهل بیت (علیهم‌السلام)، مورد کم‌لفظی و یا بی‌مهری واقع می‌شود. اگرچه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این روند، سیر نزولی خود را پیموده است.

یکی دیگر از القاب معروف حضرت زینب (علیها‌السلام)، عقیله است. عقیله بنی‌هاشم، نَسَب نبوی و تربیت علوی و لطف خداوندی که شامل حال ایشان بود چنان صفات برجسته‌ای از ایشان ساخته بود که کاملاً از لحاظ علم و آگاهی بی‌نظیر بودند. لذا این لقب را به ایشان می‌دهند.

لقب دیگر حضرت زینب (علیها‌السلام) محدثه است. ابن عباس که ظاهراً خطبه حضرت زهرا (علیها‌السلام) را نقل کرده است می‌گوید که خطبه حضرت زهرا (علیها‌السلام) را از حضرت زینب آموخته‌ام. وقتی به این خطبه توجه می‌کنیم، می‌بینیم که آن قدر بلاغت و فصاحت دارد که جای بسی شگفتی است. و این خطبه دقیقاً زمانی نقل می‌شود که حضرت در سنین سه - چهارسالگی قرار دارند. خطبه را می‌شنوند و برای دیگران بدون هیچ عیب و نقصی بیان می‌کنند که این خود نشانگر کمال علمی حضرت زینب (علیها‌السلام) می‌باشد.

لقب دیگر آن حضرت، عالمه است. امام سجاده (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «یا عمّة انت بحمدالله عالمة غیر متعلّمة» حضرت زینب (علیها‌السلام) در موقعیت‌های گوناگون زندگی پربار خود، نسبت به فقر فرهنگی جامعه بی‌تفاوت نبودند و با کلاس‌های علمی تفسیر، به ارشاد مردم می‌پرداختند و نسبت به زدودن غبار جهل و فقر فرهنگی از خود حساسیت نشان می‌دادند.

از دیگر لقب‌های ایشان عابده است. در تاریخ موجود است که امام حسین (علیه‌السلام) از خواهرشان حضرت زینب می‌خواهند که یا اُختی لا تنسیّی فی نافلة اللیل - خواهرم در نافله شب مرا فراموش نکن. این در حالی است که عالم هستی محتاج دعای ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و امام حسین (علیه‌السلام) است و امام حسین (علیه‌السلام) از حضرت زینب می‌خواهند که در هنگام نماز شب ایشان را فراموش نکنند.

● دیدار: سرکارخانم عطارزاده در رابطه با ابعاد مختلف شخصیت حضرت زینب (علیها‌السلام) توضیح بفرمایید.

○ عطارزاده: هرآنچه در عالم هستی وجود دارد، بُعدی ظاهری و بُعدی باطنی دارد.

در رابطه با بُعد ظاهری با توجه به نقل‌هایی که در تاریخ از زندگانی حضرت وجود دارد، بنده به بخشی از آن اشاره خواهم کرد. اما بُعد باطنی و کنه ذات هر شیء یا هر شخص، فقط آفریدگار عالم به طور کامل خبردار است و دیگران، بنا بر معرفت و میزان شناختشان می‌توانند به بخشی از آن پی ببرند.

در بُعد ظاهری اگر خوب توجه کنیم، زندگی ایشان در سه مقطع خلاصه می‌شود: میلاد این بانوی بزرگوار در سال پنجم هجری و ازدواج ایشان در سال هفده هجری می‌باشد. در سال ۶۰ هجری، همراه امام حسین (علیه‌السلام) راهی کربلا می‌شوند. هرآنچه در رفتار و کردار و منش حضرت در واقعه کربلا و قبل از آن مشاهده می‌شود، دقیقاً تجلی و ظهور دوران کودکی و دوران تربیت این بزرگوار در محضر حضرت علی (علیه‌السلام) و حضرت زهرا (علیها‌السلام) است.

حضرت زینب مشترکات رفتاری با چهارمعصوم دیگر داشتند که این خود نشانگر این مطلب است که تا چه میزان حضرت زینب به منبع عظیم ولایت نزدیک بوده‌اند. چهار معصوم (علیهم‌السلام)، خواب‌هایی را که به عنوان رؤیای صادقه، در رابطه با رحلت پیامبر دیدند، ایشان هم خوابی در این زمینه دیده بودند که وقتی برای حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خواب را تعریف کردند، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در تعبیر آن به بیان واقعه‌هایی که پس از ایشان رخ خواهد داد، پرداختند. شاهد

**حضرت زینب مشترکات رفتاری
با چهار معصوم دیگر داشتند
که این خود نشانگر این مطلب است
که تا چه میزان حضرت زینب (س)
به مرکز عظیم ولایت نزدیک
بوده اند.**

دیگر بر این مدعا که ایشان از جهات گوناگون به معصومین علیهم السلام نزدیک بودند، ماجرای معروفی است که بخشی از شخصیت والای حضرت زینب را تشکیل می‌دهد: در تاریخ آورده‌اند که حضرت علی علیه السلام از ایشان می‌خواهند که بگوید یک؛ و حضرت زینب می‌گوید: یک؛ اما وقتی حضرت از ایشان می‌خواهند که عدد دو را بگوید. ایشان عرض می‌کند که زبانی که به یک توحید باز شد، دو نمی‌گوید. این خود بیانگر روح والای معرفتی حضرت زینب حتی در دوران کودکی ایشان است.

در جای دیگر از پدر سؤال می‌کند که پدرجان آیا مرا دوست دارید؟ وقتی از پدر مهربان پاسخ مثبت می‌شنود، می‌پرسد، مگر در یک دل دو محبت می‌تواند وجود داشته باشد؟ البته این سؤال حضرت زینب نفی مهر و محبت نیست، ولیکن باز اشاره به روح معرفتی ایشان دارد.

نکته قابل توجه این است که پس از این گفت‌وگو حضرت علی علیه السلام فرمودند: «محبتی که من به شما دارم

محبتی است که در زیر مجموعه عشق و محبت خدا قرار دارد و من به خاطر خدا شما را دوست دارم.»

باید به این نکته مهم توجه داشت که محبت بر دو نوع است محبت‌های طولی و محبت‌های عرضی، محبت عرضی همان عشق و علاقه‌ای است که انسان نسبت به چیزی یا کسی پیدا می‌کند و غیر از آن عشق در دل او چیزی دیگری وجود ندارد. اما محبت‌های طولی در طول این محبت قرار دارند. مثلاً انسان آثاری که از محبوب خود دارد، آن را دوست می‌دارد و به کتابی که محبوب نوشته یا نقاشی که او کشیده علاقه دارد، اما این بدین معنی نیست که دیگر با این محبت‌ها و علاقه‌ها، به محبوب بی‌علاقه شود. مرحله برتر عشق پرستش است. اگر آدمی دلپاخته خدا شود غیرخدا در دلش جایی ندارد و اگر پدر، مادر، همسر و فرزندان را دوست دارد، اگر به صحنه‌های طبیعت علاقه‌مند شود به خاطر خداست و در طول محبت پروردگار متعال قرار دارد و به این معنی نیست که چون عشق خدا در دل ایجاد شد باید پرونده علاقه‌های دیگر را بست بلکه باید آن علاقه‌ها را در مسیر عشق خدا قرار داد.

مقطع دوم زندگانی ایشان از زمان ازدواج یعنی ۱۲ سالگی شکل می‌گیرد. ما می‌بینیم که حضرت پس از ازدواج از دامان وحی جدا نمی‌شوند و طوری برای زندگی خود برنامه‌ریزی کرده‌اند که بیشتر اوقات خود را در محضر پدر و برادران هستند و از وجود آن معصومان بهره‌مند می‌گردند. در سفرهای متعدد حضرت علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام حضرت زینب علیه السلام حضور دارند و به تعبیری می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که خانواده حضرت زینب همراه ایشان و این بانوی بزرگوار همراه ولایت بوده‌اند. با توجه به این‌که شوهر حضرت زینب علیه السلام، عبدالله بن جعفر از مردان بزرگوار و عالم بوده‌اند، این نکته کاملاً قابل درک است.

مقطع سوم زندگانی عقیده بنی‌هاشم، که بیشتر می‌توان ابعاد باطنی ایشان را در این مقطع به تصویر کشاند، از زمانی است که همراه امام حسین به سوی کربلا حرکت می‌کند. زمانی که خیمه‌ها را می‌گسترانند، خیمه حضرت زینب بین خیمه امام حسین علیه السلام و امام سجاد علیه السلام است. از سویی، محافظ عاطفی امام حسین علیه السلام است و از سوی دیگر، به پرستاری امام سجاد علیه السلام می‌پردازد.

در واقعه عاشورا هم نقلی در تاریخ است که حضرت زینب اولین نفری بودند که خود را به شهدا کربلای می‌رسانند، تا به امام حسین علیه السلام از لحاظ عاطفی روحیه بدهند و در هنگام اسارت هم سپر بلای امام سجاد علیه السلام بودند، هرگاه دشمن قصد جان امام سجاد علیه السلام را دارد در

مقابل دشمن می‌ایستد و از امام خود محافظت می‌کند.

● دیدار: لطفاً بفرمایید نقش حضرت فاطمه (علیها السلام) در تربیت حضرت زینب (علیها السلام) چگونه بوده است؟

○ خانم درویشی: من برای پاسخ به این سؤال از فرمایش حضرت امام (علیه السلام) کمک می‌گیرم که فرمودند، حضرت زهرا (علیها السلام) در خانه محقر خود، فرزندان را تربیت کرده‌اند که هستی مدیون آنهاست. حضرت زهرا (علیها السلام) بسیار ساده‌زیست بودند. در همان خانه محقر خود فرزندان را با روحی متعالی پرورش دادند، روحی مستعد، آماده و متعالی برای انجام وظیفه و پذیرفتن حقیقت. نمونه آن صحنه‌ای است که در تاریخ ذکر شده است.

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در روزهای آخر عمر شریفشان از دختر سه یا چهارساله خود حضرت زینب می‌خواهند که بچه‌ای را بیاورد و در آنها کفن‌های یکایک اهل بیت (علیهم السلام) را به ایشان نشان می‌دهد و حتی می‌فرماید که برادرت حسین (علیه السلام) کفن ندارد؟ و از وقایع عاشورا برای ایشان مسائلی را بازگو می‌کند. پذیرش این مسائل برای دختران سه - چهار ساله بسیار دشوار است، مگر این‌که روحی والا و لطیف و دلی دریایی داشته باشد. و خاندان عصمت این روح والا را در دل فرزندان خود کاشته‌اند. نکته دیگر این‌که حضرت زینب هفت معصوم (از پیامبر تا امام باقر (علیه السلام)) را درک کرده است و همین می‌تواند برای درک عظمت آن حضرت کافی است. او درس‌های بسیاری از رفتار علوی، فاطمی می‌آموزد. احترام به پدر، حمایت از ولایت را از مادرش یاد می‌گیرد. می‌بیند که مادر چگونه پدر را مورد خطاب قرار داده و می‌گوید: «روحی لروحک الفدا و نفسی لنفesk الوقاع» «روح و جان من فدای تو باد». این سخن تنها بیانگر یک جمله عادی که همسری به همسرش می‌گوید نیست. بلکه از روح والا و بلندی که در این جمله وجود دارد، پیداست که حضرت زهرا (علیها السلام) خود را فدایی ولایت می‌داند، این را زینب می‌بیند و می‌آموزد.

حضرت زینب (علیها السلام) کلاس حجاب و متانت و شهامت مادرش فاطمه (علیها السلام) تلقّن می‌کند و در مکتب صبر علی (علیه السلام) نکته‌هایی به وسعت همه عمرش برمی‌دارد.

**حضرت علی
فرمودند:
محبتی که من
به شما دارم
محبتی است که
در زیر مجموعه
عشق و محبت
خدا قرار دارد
و من به خاطر
خدا شما را
دوست دارم.**

شهامت علوی و فاطمی در شکل‌گیری شهامت و عظمت او در واقعه کربلا، آینه تمام‌نمای درس‌هایی است که حضرت زینب از محضر پدر و مادر خود فراگرفته است.

● دیدار: خانم عطارزاده؛ به نظر شما، دختران جامعه امروز ما چگونه می‌توانند از این شخصیت بزرگوار به عنوان نمونه و الگو بهره‌گیرند.

این نکته بسیار قابل توجه است که آینده را گذشته می‌سازد. اگر شخصیت‌ها در زمان کودکی که گذشته هر فردی است، خوب پی‌ریزی شده باشد، ساختمان هم به شکل صحیح بالا می‌رود و شکل می‌گیرد. متأسفانه مطلبی که اکنون در جامعه ما مطرح است، آزادی بی‌قیدوبندی است که کنایه‌ای از بی‌بند و باری است و اگر جامعه‌ای این آزادی را باور کند و از آن پیروی نماید سعادت‌ها به شقاوت‌ها تبدیل خواهند شد.

قرآن کریم هم نسبت به گرایش برخی از انسان‌ها به آزادی مطلق اشاره نموده است آنجا که می‌فرماید: «بل یرید الانسان لیفجر امامه»^(۱)

حال اگر دختران جامعه ما با نگاهی آزاد به زندگی این بزرگواران بنگرند، حتماً خواهند توانست از این شخصیت‌های والا بهره‌های معنوی ببرند. مادری که آشنا با تربیت زینبی و فاطمی است می‌تواند پایه شخصیت فرزندان خود را پی‌ریزی کند و آنها را با تربیت دینی به‌روراند.

حضرت زینب (علیها السلام) از آنجا که در یک صحنه سرنوشت‌ساز تاریخی و حماسی نقش مؤثر داشتند، آن هم در سن ۵۵ سالگی، مسلماً در گذشته‌ای پر افتخار و نورانی به سر برده‌اند تا به این رسالت نائل گشته‌اند.

در تاریخ ذکر شده است که حضرت زینب (علیها السلام) در سنین کودکی خطبه مذکبه حضرت زهرا (علیها السلام) را برای ابن عباس بیان می‌کند.

اگر حضرت زینب با دقت تمام خطبه مذکبه را از مادر نمی‌آموختند چگونه می‌توانستند خطبه کوفه و شام را با آن عظمت که تاریخ آن را ثبت کرده و همه اهداف و نیات شوم یزید را برملا کرد، بخوانند؟

اگر گفتار علوی بر اساس آیات قرآن نبود کجا زینب کبری (علیها السلام) می‌توانستند در کوفه تفسیر تدریس کنند؟

من خدمت دختران جامعه امروز عرض می‌کنم، برای الگوگیری از شخصیت والای حضرت زینب (علیها السلام) نوعی خودسازی نیاز است خودسازی در سطح عالی، محکم، اساسی، بنیادی و طولانی.

● دیدار: با تشکر از این‌که وقتتان را در اختیار ما گذاشتید.

۱. بلکه او می‌خواهد در تمام عمر گناه کند (سوره قیامت / آیه ۵)